

ج (۲) - ما از همان روز بقدرت رسیدن خمینی پایگاه طبقاتی رژیم را خرده بورژوازی سنتی یعنی دست راستی ، مرتجع ، قشری با مشابهت های ماقبل سرمایه داری تلقی میکردیم . قدم بقدم هم در مسیر پیشرفت دیدیم که یکی ازدجال بازیهای خمینی و سایر شرکاء خائنش این است که از موضع مادون و ماقبل سرمایه داری ، شعارهای ترقی خواهانه بعد از سرمایه داری را لوٹ کنند و به ابتدال بکشانند از نظر تاریخی ، این نیرو ، نیروی پشتوانه خمینی ، نیروهای عقب مانده و بیسرون کشیده شده از اعماق تاریخ جامعه ما بودند با صبغه خشک اندیشانه ، متظاهر وریا کارانه و فرمالیستی مذهبی ، مثل غولی که سالیان دراز در بندوبه زنجیر کشیده شده و حالا آزاد شده باشد .

س (۳) - اگر شما این رژیم را وابسته تحلیل میکنید و میگوئید در جهت منافع امپریالیسم قدم بر میدارید پس مصادره اموال سرمایه داران را چگونه تحلیل میکنید ؟

ج (۳) - ازدوموضع میشود با امپریالیسم برخورد کرد ، یکی از موضع انقلابی ، از موضع ترقی خواهانه که علوم ، فنون و تکنولوژی را در خدمت وسیعترین اقشار مردم ، در خدمت زحمتکشان ، در خدمت کارگران قرار بدهیم و دیگری هم که موضع مادون و ماقبل سرمایه داری است ، خراب کردن ، بهم ریختن ، شلوغ کردن و توی سر علوم و فنون زدن ، توی سر رشد تولید زدن برای چی ؟ مثلا برای رسیدن به سوسیالیسم ؟ آه ! برای بازگشت به دوران ماقبل سرمایه داری ، دوران برده داری و توحش .

وانگهی امروز چه کسی نمیداند که در بسیاری جهات ،

بخصوص در انهدام و قتل عظیم‌ترین سرمایه‌های مبارزان
 دمکراتیک و استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی (یعنی سرمایه-
 های اساسی، یعنی محاهدین و مبارزین)، خمینی تا کجا
 در خدمت منافع امپریالیسم بوده؟ بقدری که مجموع حراب-
 کاریها و قتل کشتارها و آوارها و سازیها و فسادهای ناشی از خمینی
 را با مجموعه آثار منطقه‌ای و بین‌المللی اش (که همیشه در
 خدمت ما و رای ارتجاعی‌ترین جناحهای امپریالیستی بوده)
 در نظر گیریم، بلا تردید در تاریخ معاصر هیچکس به اندازه
 خمینی به امپریالیسم خدمت نکرده و نخواهد کرد. و در ضمن باید
 سوخته کرد که اگر اموال چند سرمایه‌دار صادره شده یک حزب-ان
 اصل و انقلابی نسبت بلکه صادره اموال مخالفان سیاسی که
 در اس‌رژیم یا خمینی مخالفت کردند و با استیگان به رژیم
 شاه بودند، البته همه، از طرف دیگر اگر دولت کسب می‌شد
 که چگونه سرمایه‌دارانی که از استیگان خود رژیم همسودگونه
 به با راج اموال خلق مشغولند، در اشکال جدید، و اگر اادیان
 با عدلیکار در سال ۱۳۵۹ حریان جی‌اول مالی مبالغه‌کنان
 سودسار مالی که تحت نام "سازمان اقتصاد اسلامی" توسط
 سهمی حاشی و اعوان و شرکاتش تشکیل شده بود افسانه گردید.
 س (۲۱) - در تحلیل گروهها و سازمانهای مختلف سیاسی دیده
 میشود که خمینی در اسعاد اس‌رژیم یعنی انعقاد کرده
 است بطر شعا امپریالیسم از خمینی چه اسعاده‌هایی
 برای برپائی اس‌رژیم کرده است؟

ج (۲۱) - همانطوریکه درآمورشها و کتب سازمان هم وجود دارد،
 هدف در آن موقع این بود که بگذارند دور بدست
 انقلابیون و نیروهای ترقی خواه و ملت‌سوی و دمکراتیک
 واقعی بیفتند و این را در مجموع و بطور استقرار نزدیک
 صلاح خودشان دیدند و با توجه به پاسخ سؤال اول

ندیم که خمینی با چه سهولتی توانست در حقیقت با استفاده از یک شانس و فرصت (در یکطرف کارتر و در یکطرف آن آسیبهایی که تا آن موقع به انقلاب خورده بود) این رهبری را غصب کند پس از یکطرف عوامفریبی های خمینی و خصوصیات مذهبی جامع و از طرف دیگر بسته بودن دست شاه بدلیل سیاست کارتر فرصت لازم را برای خمینی مهیا کرد .

بکنه مهم که میخواهیم اشاره کنیم اینست که چطور عا ممل خارجی یعنی امپریالیسم کمک کرد که خمینی سوار شود . این کمکها هم الان ادامه دارد ، البته برای سرکوب معاهدین .

س (۵) - هم اکنون در صف مخالفین رژیم افراد و سازمانهایی سیاسی وجود دارند که برخی از این افراد و سازمانها حتی در بنای این رژیم نقش فعالی داشتند ولی اینک در مقابل این رژیم قرار دارند و خواهان سرنگونی آن هستند - شما این مسئله را چگونه تحلیل میکنید و نظرتان درباره آن چیست ؟

ج (۵) - رژیم خمینی پس از سرنگونی رژیم شاه در جریان انقلاب مردمی بهمن ۵۷ ، روی کار آمد و در واقع در فقدان حضور آماده سازمان رهبری کننده انقلاب ، خمینی رهبری آنرا غصب کرد .

در جریان انقلاب بهمن خمینی بمثابه آلترناتیو عملی رژیم شاه و در راستای سرنگونی او میبایست مورد حمایت همه نیروهای مردمی قرار گیرد . اما از فرادی سقوط شاه پروسه تجزیه صف بندی نیروهای سیاسی که بر سر سرنگونی شاه به یک وحدت موضعی رسیده بودند شروع شده و قطب بندیهای سیاسی آغاز گردید که خوبی میتواند مضمون طبقاتی و سیاسی مرز بندیهای مورد بحث شما را توضیح دهد .

سارمان ما در نخستین موضعگیریهای سیاسی خود

مرزهای ایدئولوژیکی، تاریخی و سیاسی خود را با خمینی
روشن ساخت پس از آن رژیم خمینی بهمان میزان که از مسیر
و ضرورت‌های واقعی انقلاب فاصله میگرفت میبایست به
ایزولاسیون اجتماعی و جدایی از نیروها و شخصیت‌های سیاسی و
حتی متحدین خود تن دهد و این پروسه‌ای کاملاً طبیعی و
قانونمند و قابل فهم است.

س (۶) - در آغاز روی کار آمدن رژیم اسلامی، اکثر گروه‌ها
و سازمان‌های سیاسی یا خواهان انحلال ارتش و یا
خواهان اصلاح آن بودند ولی اکثر کمیته‌ها و پاسداران
انقلاب را ارگان‌های مردمی تحلیل میکردند و برعکس
امروز ملاحظه میکنیم که اکثر همان سازمان‌ها
یا سداران و کمیته‌ها ضد مردمی و دشمنان خلق تلقی
میکند ولی درباره ارتش نظر روشنی ابراز نمیدارند.
به نظر شما این اتحاد مواضع بر چه پایه‌ای است؟

ح (۶) - سازمان ما ار همان آغاز استقرار رژیم خمینی
ارزیابی درست از ماهیت رژیم خمینی و تضادهای
درونی آن هیچگاه جناح ارتحاعی غالب و نهادهای
آن و منجمله پاسداران و کمیته‌ها را انقلابی ندانسه
است حال آنکه در آن زمان همان‌طور که شما اشاره کرده -
اند بسیاری نیروهای سیاسی از جناح "حزب بورژوا
- ری انقلابی" و نهادهای آن در درون رژیم سخن
میگفتند و از موضع عمده کردن تضاد خودشان
لیبرال‌ها، از پاسداران و کمیته‌ها به عنوان نهاد -
های نظامی جناح به اصطلاح انقلابی رژیم یاد میکردند،
این یک انحراف عمده در ارزیابی تئوریک از تضادها
و جناح‌های رژیم خمینی بود که ما پیوسته راجع به آن
هشدار داده و روشنگری نموده‌ایم و همین مساله به عنوان

موضوع عمده در سلسله مصاحبه‌های برادر مجاهد مسعود در حوض
مورد بررسی و تحلیل عمیق قرار گرفته است.

البته بعدها در جریان عمل صحت نظریات مجاهدین
کاملاً به انبیا رسید و امروز روشن است که محملهای عینی و
عملی دیکتاتوری، پاسداران ارتجاع هستند، پاسداران که
جامعه را با اطلاع بسنه و قفل کرده اند و اگر بیا ددا شده باشید
در اولین موضعگیری رسمی سازمان پس از انقلاب، در روز
۲ / اسفند ۵۷ در دانشگاه تهران اعلام کردیم و در همه روزنامه‌ها
هم منعکس شد که این " پاسداران " نهایتاً " شکارچی انقلاب
و انقلابیون جامعه " خواهند شد.

و این در دومین هفته انقلاب بود که هنوز چندان
تجربنی از پاسداران ساده یا پاسداران نبود و حتی همه روشنی
اسم و رسمی هم برای سیاه در میان نبود. اما حالا شما بوضوح
می‌بینید که در همه جا، قبل از هر چیز، حضور پاسدار، حضور
رژیم را محسوس میکند. بصورتی را بکنید اگر یک روز پاسدار
بناشد (چه بالای سرمایه‌های ما، چه بالای سر انقلابیون ما،
چه بالای سرمایه‌های تورج بریس یا اجناس دکه دار و آخیر)
چگونه خواهد شد ؟

ارسوی دیگر تحمل پرسنل ملی و میهن پرست و
مردمی ارتش برای حمیتی خیلی مشکل است (کما اینکه در هر
جای دیگر و بطریق اولی در ارتش) اما بهر حال در زیر فشارهای
سرکوب مطلق، حمیتی توانست ارتش را نیز مثل سایر جاهای
کشور، هم مهار کند و هم در مرز با عراق، در انتظار بگذارد، و همانطوریکه
میدانید درجه آگاهی در فضای نسبتاً دمکراتیک بعد از انقلاب
در صفوف ارتش، خیلی بالا رفت. وانگهی خود نظام خمینی
همچنانکه نمیتوانست لیسرا لها را تحمل کند - ارتشی را هم که
پرسنل آن (صرف نظر از نمود مختصرتتمه‌ی شاه) عمدتاً و بطور

معنوی بین لیبرالها و نیروهای انقلابی تقسیم شده بود، نمی توانست تحمل کند. علیهذا خودحمیی هم در مهار کردن ارتش و در درجه دوم قرار دادن نقش آن به نسبت پاسداران ارتجاعی - اش، منافع جدی داشت که در نتیجه از درجه کودتا خیسری چنین ارتشی (لااقل در کوتاه مدت) بسیار میکاهد و آنرا با ارتشهایی که فی العثل درشیلی یا در ترکیه کودتا کردند، خیلی متفاوت میکنند.

س (۷) - گروهها و سازمانهای سیاسی متحدا معتقدند که اکثریت مردم با رژیم مخالفند و خواهان سرنگونی این رژیم هستند اگر چنین است پس چرا مردم واکنش نشان نمیدهند و چرا حرکات توده‌ای وسیع دیده نمی شود؟

ج (۷) - وقتی احساق مطلق حاکم است و توده مردم نمیتواند نگان بخورند (همان توده مردمی که در ۲۵ خرداد، با صد هزارش به صحنه آمده بود) یک ناظر سطحی که قضا یا را اسکولاستیکی و با بصورت "پدیدارشناسانه" میبیند و مسایل را "هوهویه" تحلیل میکند و "را در خود آن نمی بیند، قدم مقدم به اس بنده خواهد رسید که، خوب مردم با مدید، پس مردم با خمینی اند،

در حالیکه بنظر ما دیکتاتوری است که مانع اصلی است چنانکه اگر شاه هم دستش در همان اواخر، اینطوری باز شود و کارتش بالای سرش نبود، کاربرد خیزش توده‌ای نمیرسید و خمینی نمی توانست به اس سادگی سوار کار شود.

س (۸) - در بین نیروهایی که خواهان سرنگونی رژیم خمینی هستند اختلافاتی موجود است که این اختلافات از جمله در سازه ترکیب و ماهیت قدرت سیاسی آینده ایران

و بیرونی رهبری کننده انقلاب میباشد عقیده شما در این مورد
چگونه است ؟

ج (۸) - مسلماً اختلافات بیرونیها و وابسته‌صحت میکنند ،
الیند اختلافاتی وجود دارد اما در مقابل وحدتی که
شکل گرفته بگانه‌آلفرنا تیودموکراتیک سراسری و
قدرت‌مدر اشکل داده است خیلی مهم و جدی تر است .
اینکه ارجاع و آلبریا تیوهای وابسته و ضد مکرراتیک در تخطئه
و سبب سور اسملی مقاومت از هیچ چیز فروگذار نمیکنند ،
الیند کاملاً قابل انتظار و قابل فهم است ، آنها در چهار
شورا و شورده ، سعای بیرونی محوری آن (مجاهدین) همه
امدهای صدمردمی خود را بر باد رفته می بینند ، اما دیگر ،
سیاست بحرب ، و تلاشی شورا را در زیر چتر دعاوی علیظ چپ نمایاند ،
سیاستی که چه خبر تعبیر کرد ؟

این حالت که با یک نگاه به تبلیغات و نحوه برخورد چندی
بیرونیها بی سر علمه شورا یا مجاهدین با واقعیت بسیار دردناک
و بلخی مواجه میشویم : فراموش کردن نسبی (و حتی مطلق)
ارجاع و امپریالیسم و آلبریا تیوهای وابسته و ضد مکرراتیک و
اصلی کردن نمادها بیرونیهای جبهه خلق ا

س (۹) - برخی سازمانهای سیاسی تشدید نیرو و اختناق توسط
جمهوری اسلامی را بگردن سازمان مجاهدین خلق
و سازمانها و جریاناتی که معتقد به مبارزه مسلحانه
هستند و در صحنه مبارزات حاضرند میگذارند و معتقدند
که علت اختناق بی سابقه را باید در حرکات (افراطی)
این سازمانها جستجو کرد ، بنظر شما آیا این نظریه
درست است ؟

ج (۹) - ارزیابی این اعتقاد که : علت اختناق بی سابقه
را باید در حرکات افراطی مجاهدین جستجو کرد

" از راه نگرمتی " پیام " ۳۰ خرداد با سفار آورا است . اسطار
 ذهنی ار اس " زیباتر " ؟! ایده آلیسم با رومی نیست () ؟
 و کسی نیست که به اس رفقا بگوید " چند و چرا ؟ " ی قصه را با بد
 از خمینی - که هنوز هم بسیاری ار شما من غیر مسقیم آب به آسباب
 او میریزید - پیرسید ولی فقط اس را ندانید که اگر مجا هدیه
 نبودند نمی جنیدند . چه با با دیده فاصله ۱۵ خرداد ۴۲ تا
 ۲۲ بهمن ۵۷ و بلکه بیشتر به انظار میماند بد و اصولا مسرر
 تاریخ ایران ممکن بود طور دیگری رقم رده شود .

س (۱۰) - همان طور که میماند بد و مع اقتصادی رژیم سسار
 اسناک اسب گاهش در آمدت . حوا سبدن حرجهای
 سواندی . هر سده های سر سام آور جنگ و گرا سسی .
 سکاری و عواملی هستند که در سرسی کوباه
 به حرات میسوان گفت . که با عت سقوط رژیم حوا هستند
 شد ولی چرا علمبر عم اس همه مشکلات با اس رژیم
 همچان با سرحاست . عامل اصلی بقای رژیم
 در چیست ؟

ج (۱۰) - علت اصلی ، دلیل سیاسی و حاکمیت سرور و احیان
 سی حد و حصر است .

المنه حمانهای بین المللی ار رژیم خمینی و با راج سسب
 اران توسط خمینی برای بر مسم با سمانهای اقتصاد سس
 را سربا بد در نظر داشت المنه خمینی در فروش اران سفت سنا
 با سرفکارهای بین المللی اس با رهم ار کسه احیان و سرور سس
 دا حلس منخورد .

مطابق گرا رشات مستند و موثق در اوایل رستان سال ۶۰ رژیم
 به آسبان پولی داشته و به آسبان سلاخی که بتواند هم ار سس
 سحران اقتصادی شدیدی که گریما بگیرش بود . بر سبا بد و هم از
 پس جنگهایی که بعدا با عراق کرد . ریرا رژیم یک قلم ماها سسه

۱/۲ - اما در دلار مصرف ارز خارجی (عمدتاً هم برای واردات)
کمتر از آن سابق کل ذخایر ارز ۶۰۰ - ۷۰۰ میلیون دلار
سیستر بود ، خوب حالا میشود گفت که طلا فروخته ، اخاذی کرده
و دستاورد مردم آورده . همه آنها درست ، اما بالاخره یک کمکها
و اعتبارات خارجی کلاسی هم در کار بوده و در مورد سلاح هم
باز امر خارجی به سرعت خیلی بعجب آوری بنفع رژیم وارد
شد که گویای بسیاری از مطالب آشکار و نهان است .

اما بالاخره دیدیم که فی المثل هم از سوریه حمایت
مادی و معنوی (سیاسی) دریافت میکرد و هم از همان زمان از
اسرائیل اسلحه و محصولات سلاحهای پیچیده میگرفت ولی حتماً
حمایتهای بین المللی که چمنی بدست آورده ، تا حدود بسیار
زیاد محصول اختیاق داخلی در صحنه قمارهای بین المللی
است و الا وضعیت ، کاملاً فرق میکرد .

ج (۱۱۱) - بعد از ۳۰ خرداد که مبارزه مسلحانه‌ی شهری ایجاد
و سعی گرفته بود خصوصاً بعد از اعدام انقلابی سران
حکومت ، بعضی از نیروهای مخالف رژیم از جمله
سارمان محاهدین خلق ایران ، این امید را سبک
و خود آورده بود ، بلکه بزودی رژیم سقوط خواهد کرد
و سارمان محاهدین خلق نیز انتظار داشت که تحت
تأثیر مبارزه مسلحانه‌ی شهری مردم وسیعاً وارد میدان
شوند ، ولی علی‌رغم این ابتکارها ، بنظر میرسد
که رژیم توانسته است ظاهراً خود را حفظ کند و توده‌ها
از خود واکنشی نشان نداده اند شما این شرایط را
چگونه تحلیل میکنید ؟

ج (۱۱۱) - البته اس عوامل را سازمان بطور آگاهانه ، جمع -
بندی شده و فرموله و شوریزه شده ایجاد کرده است
از خود سارمان (بمثابة یک تحلیل) بیرون نیامده

بود. این بیشتر ناشی از برق نشا حجاب و صریح کوبیده
استرازیکی اولیه بر علیه رژیم بود. ضمن اینکه الان هم
حرفمان این نیست که رژیم، آنقدر قدر نمد و تنگتیت شده
است که برای سرگون شدیش، زمان خیلی زیادی میخواهد نه،
چون چیزی نیست و نا آنجا که نما و مردم ما بر میگردد. مطلقاً
نه، امکان پذیرترین و عینی ترین شی ممکن برای سقوط
رژیم مستلزم آنست که قیام بشود. اما برای قیام هم با بستنی
ارنگ مراحلی رد شدن بدست نباید.

س (۱۲) - تعداد ۳۵ خرداد " شورای ملی مقاومت " بوجود
آمد و در ابتدا بطور واسمود شد که این شورامینواند
البریا سوخوی در مقابل رژیم باشد اکنون وضع این
شوراراجکونه می سمید. اصولاً آیا این شوراسنا
و صعب گویی مینواند به امده بوده ها مبدل گردد ؟
ج (۱۲) - امروز چه در سطحی داخلی و چه در اعادین المللی،
شورای ملی مقاومت، حدیثش البریا سو مکن
برای ایران یکبارچه و دمکراتیک میباشد.

به اس بریت با بیشها دتنکمل و با اساسش شورای ملی مقاومت،
ما یک قدم تاریخی را در جهت اتحاد همه نیروهای خواهان
آزادی و استقلال و معامیت ایران برداشتم و به ضرورت اتحاد
این نیروها، پاسخ عملی دادیم و یکی از مهمترین دلایل
شکستهای قبلی را کنار زدیم و البته فکر میکنم که منطق با اس
مرحله را اغلاب، چیزی کیفا بهتر را این هم ممکن بود که این
که من همیشه از آسهای که خواب برهمردن و متلاشی کردن شورا
رامی سمید، خواسته ام که اگر آلترنائیو بهتری دارند، ارائه
کنند.

س (۱۳) - ممکن است بگوئید چرا هیچ سازمان و نیروی چپ
شناخته شده ای در این شورا شرکت ندارد ؟

در این باره با یادار سروها می گه از آن سه عنوان
سروی حب شاید شده باد میگردد پیرسید

۱۱- فکر بکند قبل از این سؤال شاید بهتر باشد که در
سروها می مورد نظران سرسیم که در صحنه مقاصد و مسائره
سارریدم می در آن بیان حالی است ، البته اینها دلایل
مستند نیستند ، و باید در ورای بهانه خوشبهای کودکانه ،
غفرت مانده های مغرط سیاسی و اسرارزیکی را نشان میدهید
که در سرور دیگر از آن سرمانده افلاسی که " شاید سدی " مورد
نظر شما هم معطوف بدان است جیری باقی نگذاشته است ، اما
قابل توجه است که در ورای طواهر و العاظ ، اکنون هر
صاحب نظر آگاه و درین سیر واضح و صریح است که در مسائل
مهاجرت و احوال ایران به بهانه های حمل آمده ، بار مسئولیت
حب سمعیای خود می گذارند ، در این مصلح حساب از این بار
مهمان بدهد ، این است

س ۱۴۱ - بعد از ۲۰ خرداد در فعالیتها ، ما سهای کمونیستی
در جنبش مغربنا حسری نبود ، یعنی نقش فعالی که
در روزهای پیام ۵۷ داشتید در این مورد و روزهای
بعد از ۳۰ خرداد ندا شنیدیم فکر میکنم حبیب
کمونیستی در داخل ایران در نهایت ضعف و پراکنده
گی سرسرد دیگر میکنند این وضع تا کی ادامه
خواهد داشت و کلا بگوئید ریشه و خصوصیت بحران
حب در ایران چیست ؟

ج (۱۴۱) - نظر شما درست و واقعی است ، این طبیعت خودنیرو -
های مارکسیست - لنینیست است که بحران موجود را
ریشه یابی و مرتفع کنند .

بسیار ما این ها باج قابو نمید و محاربات انودینا میکی پیش
باردن به اصول مبارزاتی مراحل مختلف مبارزه است ، اصولی

که خود در پرتو عمل اصولی انقلابی پیوسته قابل درک و تعمیق
هستند. تطبیق تئوریهای عام بر شرایط خاص ایران درک
خصوصیات جامعه و آغاز کردن از مسایل و ضرورتها و وظایف مردم
انقلابی در داخل کشور بستر رشد سیاسی و انقلابی را بشکلی
میدهد.

گاه دیده میشود که در این نیروها تئوری و عمل خیلی
فاصله دارد و اغلب آنان از تضادهای تئوریک و سیاسی در بلوک
بندبهای جهانی شروع میکنند، تا از وظایف انقلابیشان در
داخل کشور. ما (مجاهدین) پیوسته خواستار شکوفایی و حضور
نیروهای انقلابی و اصولی مارکسیست-لنینیست بوده ایم و
اینکه انرژی و توان مبارزاتی آنان بدرستی بفع مبارزه
خلق کالالیره شود و به درسرود، با آنجا که توان داشته ایم با
کویندن چپ و راست انحرافات سیاسی راه، راه را برای نیرو-
هایی که خواهند در یک خط اصولی حرکت کنند بار کرده ایم
بنا بر این بحران مورد اشاره شما ناشی از فقدان اسرارگیری
و باکنیک متناسب انقلابی و عدم توانایی تحلیل شرایط و عدم
مردمندی و تسلیم طلبی در برابر ابرو و نیم راست و حب ابره مان
مردای تمام بهمن ماه میباشند.

بنا بر آغار مبارزه انقلابی مسلحانه و باسین سورا
ملی مقاومت، با رد دیگر سازمان مجاهدین خلق ایران برای
همه نیروهای مورد بحث فضای رست اجتماعی، سیاسی و مبارزه
فعال گشودلکن مناسباً به برخی از آنها قدرتی فرصت را بفر
نشأ حنه و همچنان در پیرو سه حزبه و اصمحلل عرقه شدید، روندی
که امیدواریم رود در متوقف شده و به مسیر اصلی بگراید.

س (۱۵) - به نظر شما چه قشرها و طبقاتی در جامعه ما انقلابی اند
و نقش این طبقات و گروههای اجتماعی را در انقلاب
آینده چگونه می بینید؟

ج (۱۱۵) - انقلاب ایران در این مرحله یک انقلاب دموکراتیک
- مدامیربالیسی است ، که با شرکت تمام طبقات
خلو باید به بروری برسد .

کارگران ، دهقانان ، خرده بورژوازی (بجز قشر راست و راسته
به خمینی) و سیمه بورژوازی ملی در این انقلاب نقش دارند .
البته بیشتر فدا انقلاب ، سوی دموکراسی و استقلال اجتماعی و
اساساً به طبقات کارگران و دهقانان زحمتکش ایران منگسی
خواهد بود .

س (۱۱۶) - برخاستنی ارسارماتها و شخصیهای سیاسی این
رژیم فاقد سرمایه اند و یکی از خصوصیات این رژیم
بی برنامه گی آن است . به نظر شما این نظریه درست
است ؟

ج (۱۱۶) - بله ، البته این بی برنامه گی از کمسوریشده در
آثار تیسم ماهوی رژیم خمینی دارد و از طرف دیگر
بویژه در رابطه با رشد مقاومت و مبارزه ، انقلابی
است که به شدت با رشد است و در یک چنین رابطه ای
بخوبی میتوان آثار تیسم و بی برنامه گی های رژیم
را درک کرد .

س (۱۱۷) - قیام بهمن ماه ۵۷ چه تعبیراتی در وضعیت نیروها
و کیفیت مبارزات توده ها بوجود آورده است ؟

ج (۱۱۷) - پس از قیام بهمن ، پروسه تحزبه نیروهای سیاسی
و اجتماعی که برای سرنگونی شاه در زیر چتر خمینی
متحد شده بودند آغاز گردید .

در صورت حضور یک سازمان رهبری کننده تمام نیروهای خلق
که در صورت یک جنبه متحد میهنی و بر محور یک سازمان انقلابی
مبناست شکل گیرد اتحاد وسیع مردمی توانست با انجام
بیشتر راهگشای دموکراسی و استقلال باشد . اما خیانت خمینی ،

وی باعث رشد سریع قطب‌بندیهای سیاسی و انحراف و انفعال بسیاری از نیروهای محرکه انقلاب از نظر اجتماعی شد .
س (۱۸) - برای پیروزی انقلاب چه شکلی از مبارزه را عمده میداند و اصولا برنامۀ عمل پیشنهادی شما در این خصوص چیست ؟

س (۱۹) - اگر معتقد به مبارزه مسلحانه هستید ممکن است بگوئید چرا تا کنون این شکل از مبارزه، یعنی مبارزه مسلحانه قادر به سیخ واقعی توده‌ها نشده است .

ج (۱۸ - ۱۹) - ما به مبارزه انقلابی مسلحانه به عنوان شکل اصلی و محوری مبارزه در این مرحله معتقدیم و برنامه عملی آن نیز به تفصیل در جمع‌بندی سرادرم‌ها هست مسعود رحوی فرماندهی عالی سیاسی - نظامی محاهدین از یکسال مقاومت انقلابی مسلحانه آمده است .

در حقیقت برخلاف نظریاتی که با اصطلاح " جنگل را در بیس درختان حسخو میکنند " مبارزه انقلابی مسلحانه و با ابعاد بسیار گسترده و عمیق خود کاملاً حضور حمایت و سیخ بوده‌ای منگی است و حر در اس رابطه در چسب ابعاد می‌توانست ادامه یابد . در اسحا شما را به قسمتی از جمع‌بندی یکساله مقاومت انقلابی مسلحانه ارجاع میدهیم !

" اگر چه همه با طیلی که ضمن یکسال بر علیه مبارزه مسلحانه سرهم‌بندی شده ، برای کسی که دستش نوی کار است و از نزدیک با واقعیت‌ها معاشرت دارد ، حتی خوانندیش بعضی وقتها چندش آور است و بعضاً هم واقعا مضحک ، با این همه سازمان ما اس حوصله را بخرج داد که تمام این حرفها را مکرر در مکرر مورد مطالعه و دقت و ارزیابی و بحث قرار بدهد و دست آخر هم آنطور که در منابعی که تا بحال استناد کردم (مصاحبه‌ها

- پیامها (دیده‌اید و آشنا هستید به این نتیجه رسیدیم که بدون مبارزه مسلحانه، نه فقط هیچ شکل دیگری از مبارزه (البته مبارزه واقعی برای سرنگونی خمینی و نه بازی بازی کودکانه تحت عنوان مبارزه) امکان نداشت و هنوز هم ندارد، بلکه اصولا ما حفظ خودمان و موجودیت و بقای خودمان و آنهایی را که حتی در مورد مبارزه مسلحانه، نمک به حرام می‌کنند، یعنی نمک مبارزه مسلحانه را می‌خورند و نمکدان‌نش را می‌شکنند، قبل از هر چیز، مدیون و مرهون مبارزه مسلحانه، مشروع و گسترده و سراسری سازمان مجاهدین خلق ایران هستیم. فراتر از این، در آینده و در مراحل بعدی هم که انشاء الله هر فضایی برای سایر اشکال مبارزه فراهم شود، قبل از هر چیز و قبل از هر کس مدیون خون شهدایمان در سراسر کشور هستیم، طبیعا وقتی می‌گوئیم مبارزه مسلحانه، منظورمان شکل محوری نبرد است که اصلا سایر اشکال، حول آن می‌توانند وجود پیدا کنند و معنا داشته باشند و الا منظورمان مطلق کردن، و اینکه فقط سلاح ولا غیر نیست.

بدلیل اینکه حتی کار سیاسی نیز طی یکسال گذشته هیچکس بیشتر از همین نیروهای مسلح مجاهدین کرده است، یعنی اگر امکان روشنگری و افشاگری و هدایت سیاسی هم بوده (در حدی که دیکتاتوری و خفقان اجازه میداد) با زهم بالاترین کمیت و کیفیت در طول همین شکل محوری نبرد انجام گرفته است... " س (۲۰) - فکر میکنید چه شکلی از حکومت برای آینده ایران مناسب است و در این رابطه نقش طبقات مختلف را توضیح دهید ؟

ج (۲۰) - ما آلترناتیو و برنامۀ دولت مورد نظرمان را اعلام کرده ایم و شما را به اسناد مربوط به شورای مصلحتی مقاومت و برنامۀ دولت موقت جمهوری دمکراتیک

اسلامی ایران ارجاع میدهیم .

س (۲۱) - ضامن دمکراسی آینده چیست ؟ فکر میکنید کدام طبقه میتواند آن را تضمین کند ؟

ج (۲۱) - هیچ تضمین واقعی برای پیروزی انقلاب جز جهت گیری و رشد ضداستثماری وجود ندارد و بعبارت دیگر برای تضمین آزادی و تداوم استقلال ، تمامی مردم ایران بایستی متحداً بسیج شوند تا با کار و تلاش هر چه بیشتر میهن خود را با برجا نگهداشته و از مناسبات وابسته سازاستعماری مصون بدارند .

اینهم یک مبارزه توأمأ سارندگی وایدئولوژیکی است که اهمیت آن هرگز از مبارزه بحاطر کسب استقلال و آزادی کمتر نبوده و عین تداوم آنست . اما چنین مبارزه ای تنها در مسیر رشدی مستقل (و نه وابسته) درچارحوب امحاء هرگونه ستم و استثماری میسر است که خود احنما عا ملازم با انکاء به اسیب و دهقانان و کارگران محروم ایران میباشد .

س (۲۲) - با توجه به این که شرایط بسیار مساعدی برای سازماندهی طبقه کارگر درحاضر ما وجود داشتهست . پیروسه تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را چگونه می بینید ؟

ج (۲۲) - اصولاً چهارلزحاط شرایط عینی و ساف و ساحت اجتماعی و اقتصادی وجه ارحب دهی مفهومی کلاسیک مورد بحث شما چنین حزبی نمیتوانست تشکیل شود .

ضمناً اطلاع دارید که ما نظریاتی را که به " خط تشکیل حزب طبقه کارگر " راه میبرد از همان آغاز پیروزی انقلاب بهمن مردود دانسته ایم . و " تشکیل میلشیای خلق " و " جنبه متحد خلق " را پاسخ شرایط مرحله ای انقلاب دانسته ایم .

س (۲۳) - درباره جنگ ایران و عراق بگویید این جنگ را چگونه تحلیل میکنید، آیا این جنگ در بقای رژیم اسلامی نقشی داشته است، و در مبارزات توده‌ها چه ناشیری گذاشت، و ندامت آن چه سودی برای رژیم اسلامی ایران دارد؟

ج (۲۳) - حال دیگر خمینی تنها کسی است که به ادامه آن علاقه دارد و حیات رژیم خمینی هم اکنون تا حدود زیادی به ادامه جنگ بستگی دارد و الا به هیچ وجه و با هیچ بهانه‌ای نمیتوانند اریس خواستهای عادلانه مردم برآید. جنگ سرپوشی برای همه مشکلات خمینی و سرکوب مخالفین است. مثلاً تنها به این بهانه نمیتواند افراد خود را به بهانه کنترل مصرف گاریا اداره گیری حجم مخزن نفت خانه‌ها (و به بهانه صرفه جویی در قبایل جنگ تحمیلی) به داخل خانه مردم (برای جاسوسی) بفرستد. ما طرفدار صلح عادلانه هستیم، ما سیاست ارتجاعی صدور مکا بیکی انقلاب را محکوم میکنیم و در این رابطه سرمقاله مجاهد شماره ۱۲۴ و بیانیه مشترک برادر مجاهد مسعود رجوی و طارقی عربی معاون نخست وزیر عراق کاملترین پاسخ به سوال شماست که ضمیمه است.

س (۲۴) - سوال بعدی درباره کردستان است چنانکه میدانید در بخش وسیعی از میهن ما، یعنی کردستان مبارزه مسلحانه جریان دارد و غریب چهار سال است که ارتش و سپاه و کمیته‌ها نتوانسته اند خلق قهرمان کرد را بزا بودر آورند و به موفقیت‌های چشمگیری برسند. به نظر شما این مبارزه در رابطه با انقلاب ایران چگونه است و کلاً بگویید بدانیم که درباره خود مختاری و تامین حقوق خلق‌های ستمدیده ایران چگونه می‌اندیشید و چه پیشنهادی دارید؟

ج (۲۴) - بدیهی است که پایداری تمامیت ارضی و وحدت

ملی این میهن دقیقاً از رابطه با احقاق حقوق حقه تمام مسی عناصروبخشهای بشکلی دهنده است . به اس ترتیب خود مختاری داخلی بمفهوم رفع سنم ماعف ا ر همه شاخه ها تنوعات ملی و طمان و تامن جمع حقوق و آرا دبهای فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی برای آنها در چارچوب وحدت ، حاکمیت و یکپارچگی تجزیه ناپذیر کشور ضرورت جدی دارد .

دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی همچتن تلاش خواهد کرد تا قومیت محلی (مثلا کردستان) را با احقاق حقوق حقه آن ، بصورت بخشی از ملی گراسی مترقی حواها به تمام ملت ایران سبب نموده و ابیدورا برای همینه ا ر معارض با بکدیگر خارج سازد . اس تلاش ارسوی دیگر ما ر ر ه دمکراتیک - صدامیربالیستی سراسری و مبارزه برای ساریکی و سوساری ملی مرسط و در چارچوب آن امکان بدراست

س (۲۵) - بطر شما در باره دحالت مذهب در حکومت حسب ؟ و
هما نظوریکه میدا بدسا زمان منا هدس در مدهیسی
بودن دولت آینده اصرار دارند ، در اس باره حبه
فکسر میکنید ؟

ج (۲۵) - اگر چه من بعنوان یک محاهد ، مسلما ام ولی قصد
نحمل عقیده خود به دیگران را ندارم .

س اس فقط یک نامگذاری موقت است . رژیم جدید حبه در
محتوا وجه در نام بایستی بوسیله موسسان منتخب مردم انتخاب
شود . شرط ورود به شورا بپرا عنقادات اسلامی نیست و ما هم در
صدا اتحادیک حکومت مدهبی (بمعنی صد دمکراتیک و خمینی
گرایانه) نیستیم . ثامنا ، صرف نظر ا ر اینکه ما مسلما بسم
و درس در نقطه مقابل خمینی به یک اسلام واقعی و دمکراتیک
معتقدیم ، برداشتن کلمه اسلام از نام دولت موقت در عمل معنی
بهترین گادوبرای خمینی است یعنی تقدیم بلا معارض اسلام

به او و این هم بهترین بهانه برای اوست تا توده‌های کم
اطلاع را (در کشوری که اکثریت قاطع آن مسلمانند) بفریبد
و خیلی‌ها را نفع خود و اردکار و یا خنثی و بی طرف کند .
س (۲۶) - در اوایل روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی موارد
متعددی دیده شد و هم اکنون نیز جسته گریخته ادامه
دارد که رژیم به صادره اموال بعضی از سرمایه داران
می پردازد شما این مسئله را در رابطه با ماهیت رژیم
چگونه تحلیل میکنید ؟

ج (۲۶) - جواب این سوال هم همان پاسخ سوال سوم شماست !
س (۲۷) - همانطور که میدانید رژیم جمهوری اسلامی مدتی
مضحک‌اشغال سفارت آمریکا را برآورد و انداخت ، به
نظر شما این عمل چه منافی برای رژیم در برداشت .
موضع شما در آن زمان در این مورد چه بود و اکنون آن را چگونه
بررسی میکنید ؟

ج (۲۷) - نظرات تحلیلی ما راجع به جریان گروگانگیری چه
در انتشارات و تحلیلهای مربوط به آن و چه در
سیاستهای موضعی برخورد با آن کاملاً آشکار است .
اولاً هرگز به معجزه مبارزه ضد امپریالیستی از رژیم خمینی امید
نبستیم و هیچ اعتمادی نداشته ایم ، ثانیاً سیاستهای موضعی
برخورد افشاگران را آنهم با ضرورت آگاهگران مردمی (و نه
سکتاریستی) به نحوی پیش بردیم که در هر قدم ضمن مشروط
نمودن جریان گروگانگیری به پاسخگویی به ضرورتهای واقعی
مبارزه ضد امپریالیستی مشت رژیم خمینی و گردانندگان این
ماجرار را باز کرده و سرانجام نیز در پایان آن طی چند سرمقاله
و یک مقاله مبسوط افشاگران در " مجاهد " پروسه این برخوردها
را با موفقیت و روشنی و آموزندگی مکنی به پایان رسانده ایم
در واقع این برخورد از یک طرف ارزیابی و تحلیل تئوریک با

اشراف به فقدان محتوی ضد امپریالیستی و مقاصد درت -
پرستانه و عوام فریبانه آن متکی بوده و از طرف دیگر طبعی
پروسه‌ای از موضعگیری‌های مرحله‌ای در جهت افشاء محتوی
واقعی آن پیش رفته است .

س (۲۸) - مرحله و ماهیت انقلاب کنونی ایران را چه میدانید و
مناسبات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی رایس از
سقوط رژیم اسلامی چگونه پیش بینی میکنید ؟

ج (۲۸) - با وفاداری بهمان عامترین استظارات تمامی
ملت ایران از انقلاب ۱۹۷۹ ، خصوصیات انقلاب
آزادبخش و استقلال طلبانه راعی ملی ، دمکراتیک
و ضد امپریالیستی تعریف میکنیم ، خصوصیات که به
اعتقاد ما مسلمانان راستین دقیقاً در جهت اسلام
واقعی بوده و نقض عملی آنها توسط خمینی سررگرس
جنابیات ضد اسلامی او محسوب میشود .

شورای ملی مقاومت برای استقلال و آزادی جمهوری دمکراتیک
اسلامی نیز بر پایه همین مبانی مشرک ملی ، دمکراتیک و ضد
امپریالیستی حبه تمام حلق استوار شده است بر سمیت شایسته
محتوا و خصوصیات دمکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب ایجاب
میکند که برخلاف سطحی نگری و فرمالیسم نظام خمینی ، کلیه
ضوابط ، ساختارها ، قوانین و مناسبات اجتماعی کمربادوری
و ارتجاعی ملغی و بحای آن مناسبات نوین استقلال طلبانه
و دمکراتیک مستقر گردد .

تنها با از میان برداشتن چنین مواضعی میتوان
سهروری کامل انسان از استعدادات و آزادیهایش را امکان پذیر
ساخت . پس در سازمان ایران فردا سرمایه‌داری وابسته به
خارجی و نه فتودالیسم حایی نداشته و اندیشه‌های ضد دمکراتیک
ضد اسلامی خمینی و قشر اجتماعی پشتیبان او نیز امکان رشد

خواهد یافت .

س (۲۹) - به نظر شما سیاست خارجه ، دولت انقلابی آینده ایران بر چه مبنایی باید استوار باشد " سیاست عدم تعهد " تکیه بر اردوگاه سوسیالیزم " ، " دوستی با کشورهای سرمایه داری " ؟

ج (۲۹) - سیاست خارجی دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران بر مبنای استقلال و عدم تعهد و کناره گرفتن از همه پیمانهای سیاسی و نظامی استعماری و حفاظت از منافع و آب و خاک ملی از اصول زیر پیروی میکند :

الف : عدم دخالت در امور داخلی سایرین و معانعت از دخالت دیگران در امور داخلی کشور .

ب : همزیستی ، صلح و همکاریهای بین المللی و منطقه‌ای

ج : احترام به منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر

د : محکوم کردن همه سیاستها و خط مشی های نژاد پرستانه

وفا شیبستی

ه : حمایت از تمامی جنبشهای آزادیبخش ضد استبدادی ،

ضد استعماری و ضد استثمار در سراسر جهان

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران کومله

س (۱) - زمینه‌های مادی - تاریخی بوجود آمدن رژیم ارتجاعی آخوندی در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج (۱) - انقلاب کبوی ایران که سرزمین بحران اقتصادی اواسط دهه سیاه شکل گرفت در اولس مراحل خود و با قیام بهمن ماه ۵۷ رژیم سلطنت را که مدافع انکار استعمار و ارتجاع امپریالیستی در ایران بود سرکشد.

اما بدلیل فقدان صف مستقل پرولتاریا و عدم یاسین رهبری او بر جنبش انقلابی، رهبری جنبش در اختیار خریبا ساسی قرار گرفت که ار همان جنبش ارفیام حواسا ر مصون داشتن دستگاه دولتی سوزواری از ضربات انقلاب و حفظ پایه‌های اساسی حاکمیت سرمایه امپریالیستی در ایران بود.

و خرائی این مطلب را که مذهبون افراطی سواسید بر سر قدرت ساسند، در این می سیمیم که در زمان او حکبری بحران سالهای ۵۶ و ۵۷ بدلیل خفقان ناموتعامرمان حکومت آریامهر تشکلات مسخوم و مازها انقلابی سواسسته بود شکل بکبرد و در عیاب تشکلات انقلابی پرولتری، مذهبون که ار شبکه عظیم و حافنا ده‌ای سرخوردار بود در شرایط ویژه‌ای قرار گرفتند

که سادگی نوانستند از این ابرار خود جلب نظر کشوره‌های
امپریالیستی را نموده و با تمام توان خود برای تعویض قدرت
اربابا و بحاطر جلوگیری از طغیان از پائین کوشیدند، هر چند
نوانستند از قیام جلوگیری کنند اما توانستند با در دست
گرفتن قدرت و استکبار عمل نقش خود را از بدو استقرارشان در
مخالفت از رشد و گسترش انقلاب و سرکوب جنبش انقلابی و با لاف
جنبش کارگری و کمونیستی ایفا نمایند. و بعبارت دیگر تنها
آلتی مناسب برای جلوگیری از رشد انقلاب رژیم ضد
انقلابی کوسی بود

س (۲) - تقریباً ۴ سال است که از عمر رژیم جمهوری اسلامی
میگذرد و نظریات مختلفی در این چهار سال از طرف
گروهها و سازمانها درباره ماهیت و عملکرد آن بیان
شده ولی اکنون اینطور به نظر میرسد که اکثر این
گروهها و سازمانهای سیاسی دیگر نظر سابق خود را
بدا رند میخواستند اما منظر شما درباره رژیم کنونی
چیست؟

ج (۲) - سازمان ما قبل از قیام در شهریور ماه ۵۷ در اولین
کنگره سازمانی خود احتمال به قدرت رسیدن مذهبیین
متشکل و افراطی را تشخیص داد و در همان زمان آنرا
ضد انقلابی ارزیابی نمود، و از همان آغاز بوجود
آمدن این رژیم خود را برای مبارزه‌ای طولانی آماده
میکرد، اعلامیه‌های ما بعد از قیام، راجع به
پشتیبانی حکومت موقت آن زمان از مسز دوران
ملا مصطفی با رزانی و اعلامیه‌ای درباره نطق خمینی
بنام " قلم‌ها را بشکنید " مواضع صحیح ما را بیان
میکند .

و چنانکه در پاسخ به سؤال اول اشاره کردم رژیم جمهوری

اسلامی را به مثابه یک رژیم سوزوواشی آریایی می‌کنم که آریدو
استقرار خود مخالف آن رشد و گسترش انقلاب و سرکوب جنبش
انقلابی و بالاخره جنبش کارگری و کمونیستی را در دستور کار خود
قرار داده و برای تحقق این هدف ضد انقلابی حوش به هوس
جنایتی دست زده است .

س (۳) - اگر شما این رژیم را وابسته تحلیل می‌کنید و می‌گوئید
در جهت مفاعع امپریالیسم قدم بر میدارید پس مصادره
اموال سرمایه داران را چگونه تحلیل می‌کنید ؟
ج (۳) - اولاً ما ایران را اکتوری سرمایه داری و تحت سلطه
امپریالیسم می‌دانیم . و خطب مشحونه ماسکات
بولیدی آرا سینما رندیدو وسیع نیروی کار
ارزان طبقه کارگر تشکیل میدهد .

سهره گشی آراس نیرو کار ارزان جزء لاینفک و شرط جدی نیروی
انسانیت منعارف سرمایه در ایران است . این شرایط و ماسکات
که میبای آراسلظه امپریالیسم بر بولیدا حنماعی و باران
داخلی تشکیل میدهد . با این نگرش می بینیم که اگر
بخشهایی از سرمایه انحصاری که در زمان شاه توسط عوامل سیاسی
در گردش بود و به دلائلی بحران سالهای نیمه دوم دهه پنجاه کاری
نگهداری دولت مطلوبشان است ، را بکشید و اکنون همین
سرمایه ها در شرکت عظیمی مثل سیدامستضعفین و با سیدام
علوی متمرکز شده است به خطب و به عمل کرد اجتماعی آن تغییر
نکرده است و مصادره جدید شرکت و ادغام آن در یک شرکت بزرگ
تغییری در سیاست سرمایه داری آن نداده است .

و از آن گذشته در سؤال مربوط به مصادره اموال
سرمایه داران مطرح شده است که بطور عام ما واقعیت تطبیق
ندارد . و فقط بخشی از سرمایه انحصاری در ایران در سیدام
مستضعفین جمع پیدا کرد و به عام اموال سرمایه داران

س (۴) - در تحلیل گروهها و سازمانهای مختلف سیاسی دیده میشود که حمیننی در ایجاد این رژیم نقشی ایفا کرده است بطر شما امیر با لیسما از حمیننی چه استفادههایی برای سرپاائی این رژیم کرده است؟

ج (۴) - نقش حمیننی به مثابه محوری برای تجمع قشر بیون مذهبی و استحکام سازمانی آن مؤثرترین شخصیت بوده است و رژیم جمهوری اسلامی با انفرار حکومت مذهبی و تکا گرفتن قوانین و نهادهای مذهبی برای مشروعیت بخشیدن به دیکتاتوری بورژوازی در سرکوب انقلاب، با تلاش در تطهیر و بازسازی ارتش و سرورکراسی مافوق مردم، و ایجاد ارگانهای جدید سرکوب طبقات بورژوازی از قبیل سپاه پاسداران، بایس گرفتن دستاوردهای دمکراتیک پیام و معانعت از اعمال اراده دمکراتیک نودهها در تعیین سر-بوش و اداره امور خود و نیز با تحمیل مفروضات کذبندیده تودههای کارگر و رکنش نقش صدا انقلابی خود را در خدمت اعاده اوضاع مطلوب بورژوازی و امیر با لیسما ایفا نموده است.

س (۵) - هم اکنون در صف مخالفین رژیم افراد و سازمانهای سیاسی وجود دارند که برخی از این افراد و سازمانها حتی در سای این رژیم نقش فعالی داشتند و ولی اینک در مقابل این رژیم قرار دارند و خواهان سرنگونی آن هستند. شما این مسئله را چگونه تحلیل میکنید و نظریان درباره آن چیست؟

ج (۵) - اس یک واقعیت است که بیان کرده اید، اما نباید آنجا که نه سازمان ما مربوط است ما صرفاً ارزیابی این نیروها را بصرف پستیبارسی گذشتهشان از

جمهوری اسلامی نمی‌کنیم بلکه با در نظر گرفتن آن اشتباهات آنچه مهم است برنامه و عملکردشان در حال و آینده است. مثلاً قسمت اعظم این طیف که نام بردید اکنون در شورایی ملی مقاومت گرد آمده اند که ما نظر شخصی درباره آنها داریم که در قطعاً مه مصوبه کنگره سوم در اردیبهشت ۶۱ تصویب شده است و بعداً راجع به آن صحبت خواهیم کرد.

س (۶) - در آغاز روی کار آمدن رژیم اسلامی، اکثر گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی یا حواهان انحلال ارتش و بیابا حواهان اصلاح آن بودند ولی اکثر کمیته‌ها و پاسداران انقلاب را ارگاسهای مردمی تحلیل می‌کردند و برعکس امروز ملاحظه می‌کنیم که اکثر همگان سازمان‌ها، پاسداران و کمیته‌ها را ضد مردمی و دشمنان خلق تلقی می‌کنند و این درباره ارتش نظیر روشی است از نمودارند. به نظر شما این اتخاذ مواضع بر چه بایه‌ای است؟

ج (۶) - این سؤال هم‌بها بگونه سؤال پیش است. عدم درک این سازمان‌ها و گروه‌ها از پیرویه مبارزه و عدم شناخت آنها از سرکوبگر که مدظبق با پیش‌های طبقاتی خودشان بوده است. موجدین جرح‌های گسی شده و ما جواب دقیق آنرا به‌همان سازمان‌ها و گروه‌ها واگذار می‌کنیم و به تفسیر آن در اینجا نمی‌پردازیم ولی آنچه که مربوط به سازمان‌ها است ما از هم‌ان اول طالب انحلال ارتش بوده و سازمان‌ها پاسداران و کمیته‌ها را هم‌بها از سرکوبگر ارتشایی کرده‌ایم. که نمونه‌های آن در همان اوایل حکومت موقت، در نوروز خونین سنندج (نوروز ۵۸) همراه با مردم قهرمان سنندج نواستیم سمدار ریحی اس را که

اعضای شورای انقلاب وقت (طالقانی ، بهشتی ، بنی صدر ،
 روحانی ، ...) بر ماسیم که در آن سدا سحلال کمیته های
 اسلامی سممدج صریح شد و با در مریوان در برابر تشکیل سپاه
 پاسداران در ۲۳ سپرماه ۵۸ همراه با مردم مریوان و سارما -
 ندهی آبان ، علاوه بر سرافکندن سپاه پاسداران تازه تاسیس
 در مریوان کوچ نارنجی اعراضی مردم شهر مریوان راهم علیه
 تشکیل سپاه پاسداران سارماندهی ورهبری کنیم ، و معتقدیم
 که هیچ حکومتی در آینده نمیتواند مکرانیک با قدمگسرسر
 سارمان آریس جدا از مردم محل شده و جای آران سلیح همگانی
 وارزش بوده ای بگیرد .

س (۷) - گروهها و سارما سهای سیاسی محدا معتقدند که اکثریت
 مردم با رژیم مخالفند و خواهان سرنگونی این رژیم
 هستند اگر چنین است پس چرا مردم واکنش نشان سارمان
 نمی دهند و چرا حرکات توده ای وسیع دیده نمیشود ؟
 ج (۷) - آری ساری سارما سبی عمومی از حکومت اسلامی چندان
 مشکل نیست ، زیرا بر زمین بحر ان اقتصادی موجود
 با امی اجتماعی و حفقان و حشماک ادامه جنگ
 ایران و عراق و جایی برای رضا سیدی
 بوده ها از حکومت جمهوری اسلامی باقی نمی گذارد ،
 اما اسکه چرا شاهد حرکات وسیع توده ای نیستیم این
 نکته را من ذکر می شویم که با رضائی عمومی به تنهایی
 باعث طعبان و اعتراضات وسیع نخواهد شد ، پارامتر -
 های دیگر از جمله کارائی حکومت در سرکوب ، یاس
 بعد از سرکوب قیام بدلیل سردرگمی نیروهای فعال
 اجتماعی و حرکات تعد و جدا ارتوده ها (ترورهای وسیع)
 که عملا نقش مهمی در کنار ریدن توده ها از شرکت
 مستقیم و عملی در مبارزه سیاسی و ایجاد بی تفاوتی

و انفعال و انتظار تغییر از بالا ایفا کرده است، و عیبره عواملی هستند که مانع از رشد جنبش توده‌ای و نظاً هرگز توده‌آن گردیده‌اند. اما در عین حال با تمام فشار و خفقان و سرکوب بی سابقه‌ای که در ایران وجود دارد هر حرکت اعتراضی ممکن است به تنهایی کوچک باشد اما در این شرایط خیلی بزرگ است. مثلاً در مدت یکسال گذشته حرکات اعتراضی دوقب آهسته، اتوبوسرانی تهران، حرکات اعتراضی کارگران در کارخانه‌ها، جشنه و گریخته بچشم میخورد، تازه‌ای اعتراضات در خسار چار کردستان است، حرکات انقلابی خلق کرد و اعتراضات و حرکات توده‌ای در شهرهای کردستان و پیشنیاسی توده‌های غیرکرد از آنها، همگی بیانگر خشم و نفرت توده‌ها از حکومت جمهوری اسلامی است.

س (۸) - در بین نیروهای که خواهان سرنگونی رژیم خمینی هستند اختلافاتی موجود است که این اختلافات از جمله در باره ترکیب و ماهیت قدرت سیاسی آینده ایران و نیروی رهبری کننده انقلاب می‌باشد عقیده شما در این مورد چیست؟

ج (۸) - همانطور که میدانید هر سال زمان و نیروی اجتماعاتی بنا بر پیش و خواسته‌های طبقاتی خود به سرنگونی حکومت مینگرد و وجود اختلاف امری بدیهی است. اما عده‌ای که شورای ملی مقاومت هم جزو آنهاست به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که ما هیما ما به کیفیت و خفقان شده است.

فقط به سرنگونی خمینی می‌اندیشند و سهمین خاطر است که ما در دادن شعار سرنگونی هم این امر را در مدنظر داریم که برای توده‌ها روشن سازیم که شعار مرگ بر خمینی فقط صف مخالفان و موافقان حکومت را از یکدیگر جدا میکند ولی به هیچ وجه

حکومتی که سوسیالیست است و دستخواهندگرفت را مشخص نمیکنند، همانگونه که مرگ برناه را تجربه کردند بدون اینکه تغییر حکومت نسبت بر بعضی حد در نظر داشته باشند، ما طالب سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و جایگزینی آن توسط جمهوری دمکراتیک انقلابی هستیم. کدازگان و خواستهای سیاسی و اقتصادی آن را در برنامه حداقل، پروتاریای ایران، یعنی در برنامه حزب کمونیست فرموله کرده ایم که در اردیبهشت ۶۱ از تصویب سومین کنگره سوسیالیست گذشت.

ب. (۹) - برخی سوسیالیستهای شدید تر و اخصا ق توسط جمهوری اسلامی را کردن سارمان مجاهدین خلق و یا سارمانها و حزب سوسیالیست که معضله میارزده مسلحانه هستند و در حقیقت میارزات حاضرند میگذارند و معتقدند که طلب اخصا ق بی سارمانها باید در حرکات (افراطی) این سارمانها جستجو کرد، بنظر شما آیا این نظریه درست است؟

ج. (۹) - اولاً یک ایدئیس مطلب را روشن کنیم که، سرور و حلقان و سرکوب عربیان عمل کردند سها جمهوری اسلامی بلکه هر حکومت سرمایه داری در کشورهای، تحت سلطه امپریالیسم است و ما این را در برنامه خود دیده عقب بدان داریم و در نتیجه با نظراتی که گویای اگر مدارهای باشد حکومتها سرمایه داری در کشورهای تحت سلطه به رحم آمده و سرکوب نخواهند کرد.....

یک نظریه ارجاعی با سیفینسی و ضد انقلابی است، و برعکس فقط با قدرت گرفتن انقلاب و سردهای انقلابی است که قبیل اریسروری انقلاب دمکراتیک هم حکومتها مجبور به عقب نشینی و فرمایشی میشوند، اما نحوه مبارزه کردن با این حکومت و انقلابی که ما بر عملیات سروریستی و به جای مردم عمل کردن

داریم ، انتقادی است که بر نیروهای مثل معاهدین داریم ، و این نه به این عنوان که عامل خفقان شده اند بلکه در شرایطی که میبایست و میتوانستند با پشتوانه توده های دربرگیرنده ترس خفقان و سرکوب مقابله کنند و این مبارزه را هر چه توده های نرسیده و وسیع تر کنند در تسلیم توده ها به حکومت جمهوری اسلامی نفیض مؤثری را ایفا کردند و وقتی که نوبت سرکوب خود آنها شد ، با دست زدن به عملیات وسیع تروریستی که طبیعتاً مدت آن هم کوتاه بود در عقب نشان دادن توده ها از ادامه مبارزه نفس نفعی خود را بازی کردند .

س (۱۰) - همانطوریکه میدانید وضع اقتصادی رژیم بسیار اسفناک است کاهش درآمد نفت ، خواستادن جرحهای تولیدی ، هزینه های سرمایه مایور جنگ و گرامسی ، سکاری و عواملی هستند که در بررسی کوتاهی بجزایات میتوان گفت ، که باعث سقوط رژیم خواهند شد ولی چرا علیرغم این همه مشکلات ما را این رژیم همچنان پابرجاست ، عامل اصلی بقای رژیم چیست ؟

ج (۱۰) - بنظر من بخشی از جواب سوال فوق را در جواب همین سوال داده ام و برای تکمیل جواب این سوال اس را اضافه کنم که زمانی که ما رضایینی عمومی ... اعتراضات مشهور تبدیل گردد و حکومت کارائینی سرکوب آنرا نداشته باشد و آلترناتیو حکومتی هم وجود داشته باشد که جای حکومت در حال سقوط را ... بگیرد امکان جابه جایی قدرت وجود دارد ، اکنون می بینیم که آلترناتیو متشکلی که امروزیتوانستند چنین وضعی را داشته باشد موجود نیست اما در حال شکل گرفتن است ، بنا بر این همراه با رشد و گسترش